



مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

شهرستان مشهد

عنوان مقاله:

تاثیر معاد باوری در فرهنگ

گردآورنده:

معصومه سادات هاشمی

معاونت پژوهش سطح ۳ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

پاییز ۱۳۹۳

چکیده

معاد به معنای بازگشت انسان و زنده شدن دوباره او بعد از مرگ است تا جزای اعمالی را که در دنیا به اختیار خود مرتکب شده در آخرت مشاهده کند.

فرهنگ الهی، انسان را آمیزه ای از پیکر و روان آسمانی می داند. فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است و هدف خود را، دست یابی به کمالی می داند که در پرتو آفتاب وحی به دست می آید.

هدف از این نوشتار بررسی رابطه معادباوری و فرهنگ اسلامی است و به این نتیجه خواهد رسید که آگاهی از بهترین شیوهی انسانی زیستن کمک شایانی به تحول عظیم فرهنگی می کند. این ارتباط دو سویه است؛ یعنی معاد باوری در سایه‌ی فرهنگ اسلامی گسترش می یابد در نتیجه برای تعمیق این باور باید در ارتقای حاکمیت فرهنگ اسلامی و نفی فرهنگ غربی تلاش کرد.

با توجه به اینکه جامعه کنونی، ما در معرض هجوم عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته و دچار بحران شده است، ماهواره‌ها و رسانه‌های غیردینی فرهنگ و تمدن ما را به چالش کشیده و در صدد تضعیف این باور در اقشار جامعه می باشند و با توجه به اینکه غفلت از مسئله‌ی معاد موجب گسترش رذایل اخلاقی، فسادهای مالی، بدحجابی، متأثر شدن مسلمین از فرهنگ بی دینی غرب شده است، از همین رو مسئله‌ی معادباوری باید در صدر برنامه‌های فرهنگی جامعه اسلامی قرار گیرد تا تحول عظیم فرهنگی در جامعه صورت گیرد.

پرورش فضایل اخلاقی، جلوگیری از رذایل روحی، مبارزه با هواها و هوس‌ها، ایجاد آرامش و اطمینان، تعدیل علایق مادی و دنیوی، تغییر بینش نسبت به دنیا، پرورش روحیه‌ی ایثار و شهادت و برقراری عدالت و قسط از جمله آثار ارزشمندی است که در پرتو باور به قیامت و زندگی اخروی به وجود می آید.

کلید واژه‌ها: معاد، فرهنگ، فرهنگ اسلامی، باور، قیامت

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	مفهوم‌شناسی
۲	الف) معاد
۲	ب) فرهنگ
۳	ج) فرهنگ‌اسلامی
۴	1- اعتقاد به معاد و تأثیر آن در تحکیم‌امید
۶	۱. ۲- نهادینه‌شدن اخلاق و عمل‌صالح در جامعه
۷	الف) ظهور صفات‌کمال و فضائل اخلاقی
۸	ب) ترغیب به انجام عمل‌صالح
۱۱	۳- فرهنگ مسئولیت‌پذیری
۱۳	4- تعدیل‌غرائز و نهادینه شدن فرهنگ حجاب‌عفاف
17	5- فرهنگ و ایثار و شهادت‌طلبی
19	6- ضمانت اجرای قوانین و عدالت اجتماعی
۲۳	نتیجه‌گیری
۲۵	منابع

مقدمه

اسلام به عنوان تنها دینی که تمام شؤون زندگی انسان را در برمی گیرد، فرهنگی غنی و پربار دارد که بر وحی مبتنی است و از آموزه های الهی سرچشمه می گیرد

فرهنگ اسلامی دارای عناصری است که عبارتند از..

نخستین عنصر، باورها و عقاید مردم به خدا، انسان، ارتباط انسان با خدا و جهان طبیعت؛ یعنی همان اصول دین شامل توحید، نبوت و معاد است که فلسفه، آن را شناخت بینش های انسانی یا هستی شناسی می نامد.

دومین عنصر، ارزش ها، همان خوب و بدهاست و اسلام یک سلسه خوب و بدهای ثابت و ابدی را به ما ارایه می دهد. البته این بدان معنا نیست که احکام در هیچ زمانی تغییر نمی کند. بلکه احکام اموری جزئی و تغییر پذیرند و منظور از ارزش های ثابت، اصول و مبانی ارزشی است.

عنصر سوم، شیوه های رفتاری خاص است که از بینش ها و ارزش ها برمی خیزد.

این سه، عناصر اصلی فرهنگ اسلام اند، یعنی آن چه را باید بدان معتقد باشیم، خوب و بد شیوه رفتار ما را تشخیص می دهد. این همان اصول دین، اخلاق و احکام اسلامی است

یکی از بنیادی ترین باورهای دینی «اعتقاد به معاد» است. اعتقاد به زنده شدن پس از مرگ ظاهری و حیات دوباره، نه تنها ریشه در فطرت انسان ها دارد، بلکه در سرلوحه برنامه های فرهنگی و تبلیغی پیامبران الهی قرار داشته است. تمامی راهنمایان آسمانی، انسان ها را به «باور قیامت» فرا خوانده اند، به طوری که تبیین و تعمیق اعتقاد به معاد، به موازات اعتقاد به مبداء، فصل مشترک برنامه تمامی پیامبران توحیدی بوده است.

این باور دینی، آثار سازنده و مثبت فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی بر جای می گذارد و زمینه را برای تربیت انسان های مؤمن و تحقق جامعه توحیدی فراهم می آورد. پرورش فضایل اخلاقی، جلوگیری از رذایل روحی، مبارزه با هواها و هوس ها، ایجاد آرامش و اطمینان، تعدیل علایق مادی و دنیوی، تغییر بینش نسبت به دنیا، پرورش روحیه ایثار و شهامت، برقراری عدالت و قسط، از جمله آثار ارزشمندی است که در پرتو باور به قیامت و زندگی اخروی به وجود می آید. به بیان دیگر، اعتقاد به معاد هم هدف رسالت الهی است و هم زمینه را برای تحکیم پیام الهی در بینش و گرایش مؤمنان فراهم می آورد و اجرای فرمان های پیامبران را تضمین می کند. به همین دلیل، در کلام مفسران پیام آسمانی و ائمه معصوم - علیهم السلام - نیز تبیین و تشریح این اعتقاد، از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و احادیث و روایات متواتر و فراوانی در این باره به دست ما رسیده است. همچنین کتابهای ارزشمندی در این زمینه تالیف شده است از جمله کتاب، معاد انسان و

جهان، جعفر سبحانی و معاد در نگاه عقل و دین محمد باقر شریعتی سبزواری، سیری در جهان پس از مرگ، حبیب الله، طاهری و کتاب فرهنگ تمدن اسلامینوشته‌ی علی اکبر ولایتی.

تجربیات تاریخی نیز گواه این مدعاست که هر زمان اعتقاد و باور به قیامت در تار و پود جامعه تنیده شد و مردم آگاهانه و صادقانه به این باور دینی ایمان آوردند، دستاوردهای مهم و سترگ در زندگی فردی و اجتماعی آنان به وجود آمد، و هر زمان که این باور تضعیف شد، آسیب پذیری فردی و جمعی نیز افزایش یافت.

اینک این سؤال اساسی مطرح است که: «رابطه اعتقاد به معاد با فرهنگ اسلامی چیست؟ پاسخ سؤال فوق از آن نظر در وضعیت فعلی حایز اهمیت است که نسل حاضر در صدد ایجاد تحول عظیم فرهنگی در جامعه است. بی‌شک تحقق این تحول به صورت فرهنگ اسلامی تنها در سایه اعتقاد عمیق و گسترده به مبدا و معاد میسر است. در بعد داخلی، تنها زمانی احکام الهی و ارزش‌های انسانی - نظیر اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، آزادی و آزادگی، عدالت و برادری - حاکم می‌شوند که باور به زندگی اخروی، عمیق و گسترده باشد. در بعد خارجی نیز تنها امتی می‌تواند در عصر حاضر، پرچمدار عدالت و قسط در زندگی فردی و اجتماعی باشد که آگاهانه و صادقانه به این باورها ایمان بیاورد و در راه تثبیت و حاکمیت آنها آماده جانفشانی و ایثار باشد. بنابراین، یافتن پاسخ سؤال مذکور و تلاش در راه تعمق اعتقاد به زندگی اخروی، در واقع، تلاش برای پایداری ارزش‌ها و حاکمیت فرمان‌های آسمانی و در نهایت، تلاش برای برپایی تمدن اسلامی است.

قبل از بیان نقش باور معاد در فرهنگ اسلامی لازم است واژه های معاد، فرهنگ و فرهنگ اسلامی را تعریف نماییم.

مفهوم شناسی

الف) معاد

معاد در لغت از ریشه عود به معنای رجوع و بازگشت است و در اصطلاح به معنای بازگشت انسان و زنده‌شدن دوباره او بعد از مرگ است تا جزای اعمالی را که در دنیا به اختیار خود مرتکب شده در آخرت مشاهده کند^۱

ب) فرهنگ

«فرهنگ» در لغت به این معانی به کار رفته است: کشیدن؛ تعلیم و تربیت؛ علم و دانش و ادب؛ کتاب لغت؛ مجموعه آداب و رسوم؛ مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم.^۱

^۱ ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب، بیروت، ج ۳، ص ۳۱۵.

دهخدا در لغت‌نامه می‌نویسد: «فرهنگ مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» از ریشه‌ی تنگ (thang) و ستایی به معنای کشیدن و فرهیختن و فرهنگ مطابق است با ریشه ادوکات (EducatEducation) و ادوره (Edure) در لاتین که به معنای کشیدن و نیز به معنای تعلیم و تربیت است (حاشیه برهان، به تصحیح دکتر معین)؛ به معنای فرهنگ است که علم و دانش و ادب باشد.

«فرهنگ» از نظر اصطلاحی، تعریف‌های متعددی ارائه شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: فرهنگ مجموعه برداشت‌ها، موضع‌گیری‌های فکری، هنر، ادبیات، فلسفه، آداب، سنن و رسوم و روابط حاکم اجتماعی است^۲

بی‌شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد^۳ فرهنگ یعنی: مجموعه تعلیم و تربیت و عقل و خرد و دانش و حکمت و هنر و معرفت یک انسان یا یک جامعه که در رفتار و نحوه زندگی و شکل حیات او تجلی نموده و در عمق جان او نفوذ کرده و همه‌ی اعمال و کردار او را متأثر از خود می‌سازد. و در واقع فرهنگ مجموعه‌ی بینش‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های یک ملت است.^۴

ج) فرهنگ اسلامی

اسلام به عنوان تنها دینی که تمام شؤون زندگی انسان را در برمی‌گیرد، فرهنگی غنی و پربار دارد که بر وحی مبتنی است و از آموزه‌های الهی سرچشمه می‌گیرد

فرهنگ الهی، انسان را آمیزه‌ای از پیکر و روان آسمانی می‌داند. فرهنگ اسلامی نشان دهنده کامل این فرهنگ است و هدف خود را، دست‌یابی به کمالی می‌داند که در پرتو آفتاب وحی به دست می‌آید. معیار برتری افراد را نیز پای بند به اصول ثابت اخلاقی می‌داند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم؛ به یقین، گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست»^۵

اساساً برای شناخت اصالت و میزان برخورداری یک فرهنگ از روح و حیات، باید به مطالعه و شناخت عناصر برجسته، جهت و حرکت، آهنگ رشد و انگیزه‌های حاکم بر آن فرهنگ پرداخت تا مشخص شود آیا شخصیت مستقلی دارد یا این که التقاطی بوده و پیرو فرهنگ‌های دیگر است؟

فرهنگ اسلامی بر خلاف فرهنگ مادی که ساخته و پرداخته دست بشر است، این ویژگی منحصر به فرد را دارد که مستقل است و همواره به حیات خود ادامه داده است. اندیشمند بزرگ اسلامی، استاد شهید

^۱: علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، محمد معین، فرهنگ معین، ماده «فرهنگ».

^۲ محمدجواد باهنر، فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۴.

^۳ صحیفه نور، ج ۱۵، ص

^۴ حسن علی اکبری، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات و فقه، تهران، سازمان تحقیقات و خودکفایی بسیج، ۱۳۷۵، ص ۱۸.

^۵ حجرات ۱۳

مرتضی مطهری در این باره می‌فرماید: فرهنگ اسلامی مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگ‌هایی را از یونانی، هندی، ایرانی و غیره را در خود جذب کرد و به صورت موجود جدید با چهره و سیمای مخصوص به خود ظهور کرد.^۱ به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگ‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است.

اعمال و رفتار انسان بازتاب اعتقادات اوست که با جهان بینی او مرتبط است. اعتقاد به معاد، دنیا را مسیر و انسان را مسافر می‌داند، و لازم است توشه‌ای شایسته در این سفر مهیا کند.

این باور دینی، آثار سازنده و مثبت فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد و زمینه را برای تربیت انسان‌های مؤمن و تحقق جامعه توحیدی فراهم می‌آورد. پرورش فضایل اخلاقی، جلوگیری از رذایل روحی، مبارزه با هواها و هوس‌ها، ایجاد آرامش و اطمینان، تعدیل غرائز، تغییر بینش نسبت به دنیا، فرهنگ غفاف و حجاب، پرورش روحیه ایثار و شهامت، تقویت روحیه تفاهم و مجاهدت برای برقراری عدالت و قسط، از جمله آثار ارزشمندی است که در پرتو باور به قیامت و زندگی اخروی به وجود می‌آید.

از آنجا که باور معاد نقشه سزای در فرهنگ اسلامی ایفا می‌کند در این مجال به برخی از موارد تاثیرگذار معادباوری در فرهنگ اسلام اشاره می‌شود:

۱- اعتقاد به معاد و تأثیر آن در تحکیم امید

تمامی عقاید دینی در رفتار انسان مؤثر است، هر چند تأثیر آنها یکسان نیست. از میان عقاید دینی، اعتقاد به رستاخیز و معاد، یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی و افزایش روحیه امیدواری در اوست. چنین عقیده‌ای نقش شایانی در پرورش روح انسان دارد و آثار تربیتی شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی او به ارمغان می‌آورد، چرا که انسان فطرتاً جویای سعادت خویش است؛ از تصوّر وصول به سعادت غرق در مسرت می‌گردد و از فکر یک آینده شوم و مقرون به محرومیت، لرزه بر اندامش می‌افتد و سخت دچار دلهره و اضطراب می‌گردد. بنابراین توجه به مرگ و زندگانی پس از آن، سبب آگاهی و ایجاد روح امید در آدمی و تلاش در جهت ایجاد زمینه‌های مناسب جهت رشد و ترقی می‌گردد. در فرهنگ اسلامی‌ایمان به معاد، ریشه یأس‌ها و ناامیدی‌ها را که آفت جان انسان‌هاست، می‌سوزاند و انسان را امیدوار می‌سازد که هیچ یک از اعمال نیک او از صفحه هستی پاک نمی‌شود و مصائب و ناکامی‌هایش در این دنیا، هیچ کدام بی‌پاسخ نخواهند ماند. شخص معتقد به معاد عقیده دارد که زندگی به این جهان ماده خلاصه نمی‌گردد، بلکه انسان پس از مرگ، زندگی دیگری در پیش دارد و در آنجا به بسیاری از خواسته‌ها و

^۱ رابطه ی علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید حمید حسین نژاد محمد آبادی: ۲۳/۱۳/۱۳۹۲

آرزوهای مناسب خود نایل می‌شود. از نظر قرآن نیز حیات باقیه و زندگانی جاوید و سعادت ابدی در آخرت است؛ (يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ)^۱. در آنجا آسایش، آرامش و امنیت مطلق وجود دارد؛ (لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ)^۲ و افراد احساس کمبود و محرومیت و ناامیدی نمی‌کنند، چرا که در آن بهشت، آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد، موجود است؛ (وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ)^۳، در آنجا هیچ گونه کمبودی احساس نمی‌گردد و احساس محرومیتی هم اگر انسان در این دنیا احساس می‌کند، با یادآوری نعمت‌های عالم آخرت برطرف می‌گردد، چرا که شخص مؤمن، امیدوار است که در آن جهان از نعمت‌های الهی برخوردار گردد.

همچنین ایمان به معاد، چهره وحشت‌انگیز مرگ را که همیشه به صورت کابوسی بر افکار انسان‌ها سنگینی داشته و آرامش را از آنها سلب کرده، دگرگون می‌سازد و آن را از مفهوم فنا و نیستی به دریچه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) □ یاد مرگ را اصلاحگر انسان و تربیت‌کننده روح بشر می‌خوانند و می‌فرمایند: «أَلَا فَادُّكُرُوا هَادِمَ اللَّذَاتِ وَ مُنْعَصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمِّيَّاتِ عِنْدَ الْمَشَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَيِّحَةِ»^۴؛ به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و مکدرکننده شهوت و قطع‌کننده آرزوهاست، به یاد آورید.

در لابلای داستان‌های قرآن نیز از آثار تربیتی ایمان به معاد می‌توان نمونه‌هایی را سراغ گرفت؛ از جمله:

۱- لقمان حکیم در اندرزهای حکمت‌آموز خود به فرزندش، انگشت بر همین موضوع می‌گذارد و به وی چنین توصیه می‌کند: (يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ)^۵. ای پسرکمن، اگر عمل به قدر یکدان‌هخردل در درون صخره‌ای بیاد آسمانها یاد رزمین باشد، کهاوریزبینوا آگاهاست.

این آیه اشاره به این است که اعمال نیک و بد هر قدر کوچک و کم‌ارزش و هر قدر مخفی و پنهان باشند، همانند خردلی که در درون سنگی در اعماق زمین یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها مخفی باشد، خداوند لطیف و خبیر که از تمام موجودات کوچک و بزرگ در سراسر عالم هستی آگاه است، آن را برای حساب و پاداش و کیفر حاضر می‌کند و چیزی در این دستگاه گم نمی‌شود.

۱. غافر/۳۹

۲. انعام/۱۲۷

۳. زخرف/۷۱

۴. شیخ حسن دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، ص ۹۱

۵. لقمان/۱۶

توجه به آیه فوق موجب می‌شود که انسان در برابر کسانی که در حق وی ظلم و ستم می‌کنند و او ناتوان از بازخواست آنهاست، خود را نبازد و به امید خداوند و معاد، از اندوه و افسردگی رهایی یابد.

۲- در صحنه‌ای دیگر «مؤمن آل فرعون» را می‌بینیم که قوم خود را مخاطب قرار داده، می‌گوید: (مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ دَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ)^۱. هر کس کار بدی بکند جز همانند عملش کیفر نیابد. و هر کس از مرد و زن که مؤمن باشد و عمل صالحی به جای آورد بهیشت داخل شود بی حساب و روزی اشد دهند.

او در این سخن حساب شده‌اش، از یک سو به عدالت خداوند در مورد مجرمان اشاره می‌کند که تنها به مقدار جرمشان جریمه می‌شوند و از سوی دیگر، اشاره به فضل بی‌انتهای او دارد که در مقابل یک عمل صالح، پاداش بی‌حساب به مؤمنان داده می‌شود و هیچ‌گونه موازنه‌ای در آن رعایت نخواهد شد؛ پاداشی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و حتی به فکر انسان خطور نکرده است. به هر حال او با این سخن کوتاه خود، این واقعیت را بیان می‌کند که متاع این جهان گرچه ناچیز و ناپایدار است، ولی می‌تواند وسیله رسیدن به پاداش بی‌حساب گردد و چه معامله‌ای از این پرسودتر.

بنابراین اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ تأثیری بس شگرف در روحیه انسان دارد، به گونه‌ای که خداوند در قرآن، یاد مرگ و تمنای آن را یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی و کسانی که دارای ایمانی راستین و ثابت‌اند، معرفی می‌کند.

در فرهنگ اسلامی توجه به این نکته حائز اهمیت است که گرچه امید بستن به روز قیامت از امید بستن به خداوند جدا نیست، لیکن چون انتظار روز رستاخیز، روز تعیین سرنوشت است، قیامت و معاد مستقلاً از متعلقات امید شمرده شده‌اند.^۲ از سویی دیگر خداوند در آیه ۱۱۰ سوره کهف، پیروی از دین را مشروط به رجا و امید به معاد نموده، نه یقین به معاد، به این دلیل که تنها احتمال بودن معاد و امید به فرارسیدن چنین روزی، کافی است که آدمی را به پیروی از دین وادار سازد، چرا که دفع ضرر احتمالی واجب است.^۳ به همین دلیل آن که به روز رستاخیز امید دارد، به فساد روی نمی‌آورد، بلکه در پی اصلاح آخرت خویش و جامعه گام بر می‌دارد تا با پرونده‌ای سفید در روز قیامت در محضر داور جهان هستی حضور یابد.

۲- نهادینه شدن اخلاق و عمل صالح در جامعه

۱. غافر/۴۰.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۲۶.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۴۰۵.

صفات برجسته‌ی اخلاق در کنار یاد معاد و تذکر قیامت به کمال لازم می‌رسد؛ زیرا یاد مرگو عذاب قیامت، انسان را دل شکسته و قلب او را خاشع می‌سازد.

قرآن کریم می‌فرماید: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا الْكَبِيرَةُ الْإِعْلَى الْخَاشِعِينَ. الَّذِينَ يَنْظُرُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهَا رَاجِعُونَ^۱) «از صبر و نمازیاری جویند (و با استقامت و مهارت‌های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید) و اینکار، جز برای خاشعان، گراناست. آن-ها کسانی هستند که می‌دانند دیدار کنند پروردگار خویشند، و بهسوی او باز می‌گردند. «
قرآن کریم اعتقاد به معاد را در پایبندی به تکالیف الهی مؤثر می‌داند.

از طرف دیگر کسی که میداند تمام اعمالش بی‌کم و کاست به زودی در دادگاه عدل الهی مورد بررسی قرار می‌گیرد و قضاتش نیز از همه چیز آگاهند خود را ملزم به تکالیف الهی می‌داند و از معاصی الهی پرهیز می‌کند.

ایمان به رستاخیز اثر عمیقی در تربیت انسانها دارد. نقش معاد در قلمرو اخلاق و روحيات نیز روشن است؛ زیرا این واقع بینی و طرز فکر، احساسات درونی را تعدیل کرده و آن را با خط مشی معقولى که با هدف نهائی سازگار است، محدود می‌سازد، از جمله:

الف) ظهور صفات کمال و فضائل اخلاقی

روح انسان استعداد ذاتی ارزش‌های اخلاقی را داراست. مذهب و اعتقاد به پاداش و کیفرها فضیلت‌های اخلاقی را در انسان زنده می‌کند، لذا می‌توان گفت اعتقاد به معاد پشتوانه اخلاق است.

(وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ. أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)^۲

و آن‌ها که نه تنها بگوشت و پندار انجام طاعت به خرجمی دهند و با اینحال،
دلی-
هایشان نه اسناک است از این که سرانجام بسوی پروردگارشان باز می‌گردند. آری انسان با اخلاق در مقابل رفاه طلبی، اسراف، اتراف، خوش گذرانی، سرگرمی‌ها، هوسرانی، ثروت اندوزی بی‌حد و مرز به صورت سنجیده و در راستای اهداف الهی برخورد می‌کند «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۳
اینسرای آخر تر از آن کسانی ساخته ایم که در این جهان نه خواهند نبرتری جوئی، هستند و نه خواهند فساد.

وسرانجام نیک از آن پرهیز گاران است.
چنین کسانی در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند
(و مضمول عنایات ما هستند) «

۱- بقره، آیه ۴۵ و ۴۶.

۲- مؤمنون، آیه ۶۰ و ۶۱

۳- القصص آیه ۸۳

از جمله صفات فاضله‌ی کسانی که به معاد و بازگشت به سوی خداوند ایمان دارند، آنست که آنچپرووردگار، از نعمت‌البهان‌ها ارزانی فرموده‌به
 زبردستان
 بذلمی نمایندوبه
 اعمال‌الصالحه‌مداومت‌دارنددرحالی‌که‌قلوب‌آنانازخوف‌عظمت‌پروردگارترساناست، زیرا ایمان دارند که به
 سوی‌ساحت‌کبریائی‌باز‌خواهندگشت^۱. همسرفرعون که به معاد و روز قیامت ایمان دارد،
 جواررحمت‌پروردگارشراتمنانموده، خواسته‌است‌تبا‌خدا‌نزدیک‌باشد.

(وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اجْعَلْ لِي بِنْتًا حَسَنَةً وَاجْعَلْ لِي مِثْلَ قَوْمِ الظَّالِمِينَ
 ن)^۲ «وخداوند برای مؤمنان، بهمسرفرعون مثل زده‌است، در آن هنگام که گفت: «پروردگار! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده. مرا از گروه مستمگران‌هایی بخش!»»

در این آیه‌ی شریفه، او نزدیکی با خدا را بر نزدیکی با فرعون ترجیح داده، باین که نزدیکی با فرعون همه-
 یلذات‌ر‌د‌پی‌داشته، درد‌بار‌او‌آن‌چهر‌اکه‌در‌دل‌آرزومی‌کرده‌یافت‌می‌شده، وحتی‌آن-
 چه‌که‌آرزومی‌یک‌انسان‌بدان‌می‌رسیده، در آنجا یافت‌می‌شده،
 پس معلوم می‌شود همسرفرعون چشم‌آز‌تمامی‌لذا‌ت‌زندگی‌دنیا‌دو‌خته‌بوده، آنهم‌نه‌به‌خاطر‌این‌که‌دست‌ش‌به‌آن-
 هان‌می‌رسیده، بلکه‌در‌عین‌این‌که‌هم‌ها‌ن‌لذات‌بر‌ایش‌فر‌اهم‌بوده، معدل‌ک‌از‌آن‌ها‌چشم‌پوشیده،
 و‌به‌کراماتی‌که‌هنز‌د‌خ‌دا‌است، و‌به‌خدا‌دل‌بسته‌بوده، و‌به‌غیبا‌یمان‌آورده، و‌در‌بر‌اب‌ر‌ایمان‌خود‌استقامت‌ورزی‌ده،
 تا‌از‌دنیا‌رفت‌ها‌ست.^۳

ب) ترغیب به انجام عمل صالح

اعتقاد به معاد انگیزه‌ی انسان را برای انجام اعمال صالح تقویت می‌کند.

(. . . فَمَنْ كَانَتْ رُجُوعًا لِّرَبِّهِ فَعَلِيَ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)^۴ «پس هر که به هلقای پروردگار شامید دارد، باید کاری شایسته‌انجام دهد، و هیچ‌کس را در عبادت پروردگار شش‌ر یک‌نکند!»

جمله‌ی (فَمَنْ كَانَتْ رُجُوعًا لِّرَبِّهِ فَعَلِيَ عَمَلًا صَالِحًا) (...مشتلمبر اجمال‌د‌ع‌وت‌دینی‌است‌که‌هم‌ان‌عمل‌الصالح‌بر‌ای‌رضای‌خدا‌است، و آن‌گاه‌این‌معنار‌مت‌فر‌ع‌بر‌جاء‌لقاء‌پروردگار‌مت‌عال‌وباز‌گشت‌به‌سوی‌او‌کرده، چون‌اگر‌حساب‌وجزائی‌در‌کار‌نباشد، هیچ‌د‌اعی‌وم‌لزمی‌نیست،

که‌ف‌ا‌در‌ا‌به‌پ‌ی‌روی‌از‌دین‌و‌به‌د‌ست‌آورد‌نا‌اعتقاد‌و‌عمل‌ص‌ح‌یح‌و‌ا‌دار‌سازد^۵. در‌حقیقت‌این‌عمل‌الص‌ح‌ی‌که‌ها‌ز‌انگیزه-
 ی‌ال‌ه‌ی‌و‌اخ‌لاص، سر‌چشم‌ه‌گ‌ر‌ف‌ت‌ه‌و‌با‌آن‌می‌خته‌ش‌ده‌است، گذر‌نامه‌ی‌لق‌ای‌پروردگار‌است! عمل‌الص‌الح‌آن-

۱- محمد حسین، حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۱، ص ۲۷۶.

۲- تحریم، آیه ۱۱.

۳- محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص: ۵۷۸

۴- ک‌ه‌ف، آیه ۱۱۰.

۵- ر. ک محمد حسین، طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۵۵۷.

چنانچه موسیعی دارد که هر برنامهمفید و سازنده یفردی و اجتماعی را در تمامزمینه های زندگی شاملمی شود.^۱ یکی از مصادیق عمل صالح کسب روزی حلال است که به جهت اهمیت آن به این مساله می پردازیم.

از قوانین زندگی، تنظیم روزی است که براساس مصحلت انسان توسط خداوند صورت می گیرد و با عنوان تقدیرروزی از آن یاد می شود و از کارهایی که در دین مبین اسلام توصیه فراوان به آن شده است کسب لقمه حلال است که در شرایط رایج در جامعه دستیابی به آن کاری بس دشوار است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ.» کسب لقمه حلال از جنگ تن به تن هم سخت تر است.^۲

ناگفته نماند که این گونه روایات هرگز به معنای محال بودن دستیابی به مال حلال نیست، بلکه ضمن گزارش از وضعیت مال حلال در جامعه افراد را آماده تلاش برای دست یافتن به آن می کند.

در روایات آمده است: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ.» جستجوی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.^۴

همیشه به دست آوردن لقمه حرام آسان و تهیه لقمه حلال بسیار سخت بوده است. باید دانست میزان رنج و سختی کسب حلال، رابطه مستقیمی با تدین مردم جامعه و فرهنگ اسلامی دارد؛ هر چه جامعه از احکام دین دورتر کسب لقمه حلال هم در آن سخت تر است. دشواری این کار به حدی است که در روایت آن را از جنگ تن به تن که سخت ترین کار است هم سخت تر معرفی کرده اند.

روزی امام صادق (علیه السلام) به خادم خود مُصَادِف، هزار دینار داد و به او فرمود آماده شو تا برای تجارت و کسب درآمدی به مصر سفر کنی. مصادف آن پول را گرفت و با آن کالایی خرید و همراه با کاروان تجار مدینه، روانه مصر شد.

وقتی به نزدیکی های مصر رسیدند: قافله ای از مصر به آن ها نزدیک شد و ملاقاتی بین آن ها صورت گرفت. اعضاء آن قافله از مقدار و نوع کالاهای ایشان سوالاتی کردند. پس از آن که از نوع آن مطلع شدند، به کاروان مدینه مژده دادند که کالای شما در مصر یافت نمی شود و مردم مصر هم شدیداً به آن نیازمند هستند. تجار مدینه هم که دیدند وضع چنین است با هم دست به یکی کرده و هم قسم شدند که این کالای کمیاب و ضروری مردم را به کمتر از دو برابر به مردم آن سامان نفروشدند. همینطور هم شد؛ مایحتاج ضروری و نایاب مردم را به دو برابر قیمت خرید به آن ها فروختند و سرمست از این معامله شیرین به

۱- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ۵۷۸.

۲- ک. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، باب ۱۴۷۵

۳- اصول کافی ج ۵ ص ۱۶۱

۴- بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۷ الی ۹.

مدینه‌بازگشتند. مصادف، با دو کیسه پر از پول، خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید. او که گمان می‌کرد برای این تجارت پرسودش مورد تشویق امام قرار خواهد گرفت به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: فدایتان شوم؛ این دو هزار دینار، تقدیم شما که یک هزار دینار آن اصل سرمایه ایست، که شما به من دادید و دیگری سود تجارتهای است که با این سرمایه به دست آوردم. امام صادق ۷ به او فرمودند: اما این مقدار سود برای این سرمایه، سودی غیر عادی و زیادی به نظر می‌رسد؛ بگو ببینم تو با این پول چه کردی؟ مصادف، تمام جریان مصر را برای امام صادق (علیه السلام) تعریف کرد. سخن او که به پایان رسید امام (علیه السلام) با دلخوری به او فرمودند: سبحان الله! با هم دست به یکی کردید، که کالای ضروری مسلمانان را چون کمیاب است و آن‌ها هم نیاز دارند به دو برابر قیمت به آن‌ها بفروشید؟! سپس امام صادق (علیه السلام) فقط یکی از کیسه‌ها را برداشت و فرمودند: این اصل سرمایه‌ای که به تو دادم و من هیچ نیازی به این سودی که تو اینگونه به دست آورده‌ای ندارم. آن‌گاه امام (علیه السلام) برای بیان حقیقت کار و تربیت همه تجار و بازرگانان خرد و کلان، جمله‌ای کلیدی به مصادف فرمودند: که «يَا مُصَادِفُ مُجَادِلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ»^۱ مصادف! بدان که کسب حلال از جنگ تن به تن هم سخت تر است.

خداوند متعال در قرآن خود را متکفل تأمین روزی خلائق و بندگان خود معرفی می‌کند، و می‌فرماید: و هیچ جنبه‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر عهده خداست.^۲ گر کسی باور کند که عالم به طور کامل در دست قدرت خداوند متعال است، و جز او مؤثر مستقلى در عالم وجود ندارد، آن‌گاه آنچه را که با تلاش از راه حلال به دست می‌آورد روزی خدا می‌داند و به بیش از آن هم چشم نمی‌دوزد توجه به این دسته آیات، ایمان و اعتماد به خدا و روز رستاخیز و نیز روحیه قناعت و اکتفا به دستاورد حلال و موجود، را در انسان قوت می‌بخشد و سبب می‌شود تا فکر و دست انسان به سمت لقمه و کسب حرام، متمایل نشود. چرا که گرایش به حرام رستگاری و سعادت انسانرا بسیار مشکل می‌سازد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ خَلَقَ مَعَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ حَلَالًا طَيِّبًا فَمَنْ تَنَاوَلَ شَيْئًا مِنْهَا حَرَامًا قُصَّ بِهِ مِنْ ذَلِكَ الْحَلَالِ؛ خدای بزرگ خلائق را آفرید، و برای آنان روزی حلال و پاکیزه نیز آفرید. پس اگر کسی بخشی از آن را از راه حرام به دست آورد و مصرف کند؛ از قسمت حلال روزی او کاسته خواهد شد.^۳

در مورد رابطه لقمه حلال با توفیق عمل صالح خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

^۱ اصول کافی، ج ۵، ص ۱۶۱

^۲ هود ۶

^۳ اصول کافی، ج ۵، ص ۸۱

(يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحاً) می‌فرماید: (كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ)، (طَيِّب) یعنی دلپسند. یعنی از غذای (طَيِّب) و حلال بخورید، (وَ اَعْمَلُوا صَالِحاً) بعد عمل صالح انجام بدهید. معلوم می‌شود که اگر کسی لقمه‌اش حرام باشد، موفق به عمل شایسته نمی‌شود. لذا غذای حلال و پاک است که سرچشمه عمل صالح می‌شود.

آیات زیادی در قرآن کریم ناظر به این معناست، که حضرت حق روزی همگان را رزق حلال قرار داده و دعوت به کسب حلال و خوردن حلال فرموده، و برای احدی روزی حرام مقرر ننموده، که منبع حرام انحراف فکری و اخلاقی انسان و ضعف ایمان اوست.

قرآن می‌فرماید: (يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. *إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.)^۱

ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید، و قدم جای قدمهای شیطان مگذارید، و دچار وسوسه‌های او نشوید، همانا او دشمن آشکار شماست. او به شما دستور به بدکاری و زشتی می‌دهد، و وادارتان می‌کند از روی جهل و نادانی سخنانی به خداوند نسبت دهید.

امام باقر (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید:

(لَيْسَ مِنْ نَفْسِ إِلَّا وَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَهَا رِزْقَهَا حَلالاً يَأْتِيها فِي عَافِيَةٍ، وَ عَرَضَ لَهَا بِالْحَرَامِ مِنْ وَجْهِ آخِرٍ، فَإِنْ هِيَ تَنَاوَلَتْ مِنْ الْحَرَامِ شَيْئاً قَاصِها بِهِ مِنَ الْحَلالِ الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ لَهَا وَ عِنْدَ اللَّهِ سِوَاهُما فَضْلٌ كَبِيرٌ.)

انسانی نیست مگر اینکه خداوند روزی و رزق او را از حلال واجب کرده، این روزی حلال در عین عافیت به او می‌رسد، راه حرام ربطی به حق ندارد، مسیر حرام مسیری دیگر، و برنامه آن شیطانی است، انسان اگر چیزی از حرام به دست آورد، به اندازه آن از رسیدن حلال به او جلوگیری می‌شود، منهای حلال و حرام نزد حضرت حق فضل کبیر برای انسان مقرر شده»^۲

اعتقاد به معاد نگاه انسان را به دنیا تغییر داده و دنیا را به عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن به اهداف والای انسانیت و زندگی جاوید و همیشگی قیامت می‌داند، لذا دنیا برای انسان ساخته شده نه انسان برای دنیا. ^۳ در نتیجه اعتقاد و باور به معاد زندگی دنیوی را هدفمند و نسبت به آینده امیدوار می‌سازد.

۳- فرهنگ مسئولیت پذیری

۱- مؤمنون آیه ۵۱

۲- سوره بقره آیه ۱۶۸ و ۱۶۹

۳- محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۵ ص ۱۴۷.

۴- جعفر سبحانی، معاد انسان و جهان، ص ۱۷

اسلام دینی تکلیف گراست و اصولاً دینداری بدون مسئولیت پذیری و تعهد معنایی ندارد. از دقت در آیات قرآنی به دست می‌آید که بخش عمده‌ای از سخنان پیامبران و بحث‌ها و جدل‌های ایشان با مردم، اختصاص به موضوع معاد داشته است و حتی می‌توان گفت که تلاش آن‌ها برای اثبات این اصل، بیش از تلاشی بوده که برای اثبات توحید کرده اند. زیرا اکثر مردم، سرسختی بیشتری برای پذیرفتن این اصل نشان می‌داده اند. علت این سرسختی را در دو عامل می‌توان خلاصه کرد:

۱- عامل مشترک در انکار هر امر غیبی و نامحسوس.

۲- عامل مختص به موضوع معاد یعنی میل به بی بند و باری و عدم مسئولیت.

زیرا اعتقاد به قیامت و حساب، پشتوانه‌ی نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیت‌های رفتاری و خودداری از ظلم و تجاوز و فساد و گناه است و با انکار آن، راه برای هوسرانی‌ها و شهوت پرستی‌ها و خودکامگی‌ها باز می‌شود.

«أَيُّحَسْبُ الْإِنْسَانِ أَنْ لَمْ نَجْمَعِ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِّبَنَّهُمْ بَلِيًّا وَإِنَّا لَإِنْسَانٌ لِّيَفْجُرْ أَمَامَهُ»^۱

آیا انسان چنین می‌پندارد که استخوان‌هایش را (پس از متلاشی شدن) جمع نخواهیم کرد؟ چرا (این کار را خواهیم کرد) در حالی که توانائیم سرانگشتانش را (مانند اول) هموار سازیم. بلکه انسان می‌خواهد جلوی خویش را باز کند (و بی بند و بار باشد)

خداوند، موجودات بی شماری را در جهان آفریده است که بیهوده و بی هدف آفریده و رها نشده اند، بلکه همه آنها به سوی مقصد و کمالی که خدا برایشان معین فرموده است، در حرکت و تکاپو هستند

در قرآن کریم به این موضوع این گونه اشاره شده است: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعَيْنٍ»، «ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آنهاست، بیهوده نیافریده ایم»^۲

در این میان انسان به حقیقت کارهایی که انجام می‌دهد، آگاه است. در آثار و عواقب کردارش می‌اندیشد و با اراده و اختیار راهی را برمی‌گزیند گاهی گرفتار غرایزش می‌شود و در گرداب حیوانیت دست و پا می‌زند. گاهی نیز روح ملکوتی و عقل انسانی به یاری‌اش می‌شتابد و امیال و غرایز نفسانی را به بند می‌کشد.

به برکت تکلیف و حس مسئولیت است که انسان می‌تواند از چنگال زمین رها شود و به سوی عوالم بالا به پرواز درآید. انسان امانت دار بزرگ خداست. مسئولیت او در پیشگاه خدا، خود و جامعه، بار سنگینی است که در آغاز آفرینش، آن‌گاه که به آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه شد، آنان به ضعف و ناتوانی خود اقرار کردند

^۱ قیامت ۳ الی ۵

^۲ انبیا ۱۶

و انسان آن را پذیرفت: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؛ آیا پنداشتید شما را بیهوده آفریدیم؟»^۱ و در جای دیگر بیان می‌کند: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى؛ آیا انسان پندارد که آزاد و رها و بی مسئولیت است؟»^۲

از این آیه‌ها استفاده می‌شود که خداوند برای انسان، کمال قرب و منزلت را قائل شده؛ زیرا از او خواسته است که مانند موجودی رها و بی تکلیف، در پی کارهای بیهوده نباشد. در خود احساس مسئولیت را پرورش دهد، و همواره خود را مسئول بداند. در نتیجه، هرگز خود را به بهایی کمتر از لقای پروردگار و یا بهشت ابدی نفروشد، که در غیر این صورت، به یقین از زیان کاران خواهد بود.

۴- تعدیل غرائز و نهادینه شدن فرهنگ حجاب عفاف

اسلام، ایمان به معاد را از ارکان حیاتی انسان می‌داند که بدون آن، زندگی برای بشر مفهوم درستی ندارد. بی شک قوانین بشری که بازتاب نیازها و خواسته‌های بسیاری از مردم است برای همین دنیا وضع گردیده؛ اما قوانین الهی زندگی انسان، یک زندگی بی نهایت و ابدی است و خوشبختی و بدبختی او در گروهی سعادت و شقاوت زندگی دنیوی اوست. از این رو باید یک خط مشی معقول و منطقی برای بشر ترسیم کرد، نه یک استراتژی عاطفی، باید مصلحت واقعی افراد تامین گردد نه هوی و هوس آنها.

غرایز از مهم ترین موهبت های الهی به انسان است که منشأ تحرک و فعالیت اند، اما آزادی بی قید و بند غرایز و شهوات با تعالی معنویدر تعارضند. خداوند انسان را از گوهر گران بهای عقل بهره مند ساخته است که می‌تواند غرایز افسار گسیخته را لجام زند و تحت کنترل در آورد. در عین حال، عقل انسانی گاه ضعیف می‌شود و به تعبیر زیبای امام علی (علیه السلام) «شهوت‌ها پرده خرد را می‌درند»^۳ و «عقل آدمی اسیر هواهای نفسانی می‌شود»^۴

نقش معاد در فکر، روح، اخلاق، اجتماع و اعتقادات فردی کاملاً روشن است، زیرا این واقع بینی و طرز تفکر، احساسات درونی را تعدیل کرده و آن را با خط مشی معقولی که با هدف نهایی سازگار است محدود می‌سازد. کسی که معتقد است همچون پر کاهی است که بر روی امواج سهمگین جهان هستی قرار دارد و به طرف هدف نهایی آفرینش می‌رود، غرائز او همچون، ریاست طلبی، خودخواهی، مال دوستی، شهوت و غضب طغیان نمی‌کند تا باعث سرکشیوتعددی به حقوق دیگران شود انسان برای رسیدن به شکم و شهوت،

۱- مؤمنون: ۱۱۵

۲- قیامت: ۳۶

۳(نهج البلاغه، خ ۱۰۹)

۴(همان، ح ۱۱)

خود را تبدیل به یک موجود بی اراده نمی سازد، بلکه لحظات حساس زندگی خود را در راه ایثار و فداکاری، خدمات اجتماعی و تلاشهایی پرثمر صرف می کند.^۱

غریزه غضب و خشم، از نظر قدرت، کمتر از غریزه جنسی نیست، گاهی حس انتقام به اوج قدرت خود می رسد و می خواهد هر نوع مانع و رادع را از پیش پای خود بردارد. در این موقع جز ترس از انتقام الهی و خوف از دوزخ نمی تواند آتش خشم انسانها را خاموش سازد. قرآن کریم می فرماید: (والکاظمین الغیظ)^۲ آنان که خشم خویش را فرو می برند.

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: «من کظم غیظا و هو یقدر علی امضائه حشاالله قلبه امانا و ایمانا یوم القیامه^۳» کسی که می تواند انتقام بگیرد، ولی خشم خود را فرو می خورد، خدای تعالی در قیامت قلبش را پر از آرامش و ایمان می کند.

شهوت شکم نیز مانند دیگر غرائز می تواند سبب هلاکت انسان شود. طبع انسان همیشه خواهان سیری کامل است از این رو شرع مقدس در مدح گرسنگی و کم خوری بسیارمبالغه کرده تا میل پرخوری طبع انسان و منع شرعی با هم تلاقی کرده و از برخورد آنها اعتدال حاصل شود و مقصود ازاینکه دردین پرخوری مذمت شده است این است که انسان در حد اعتدال بخورد که دچار درد معده یا دچار رنج گرسنگی نشود،^۴ و لذا قرآن کریم می فرماید: (کلوا و اشربوا و لاتسرفوا)^۵

حضرت زین العابدین (علیه السلام) در ضمن حدیثی می فرماید: به راستی دنیا پشت کرده و می رود و آخرت روی کرده و می آید هر که شوق بهشت دارد از شهوات دست بردارد و هر که از دوزخ هراسد گرد محرمات نگردد و هر که از دنیا روی گردان است هر مصیبتی بر او آسان است.^۶

شهوت جنسی: اگر شهوت جنسی کنترل نشود و بوسیله عقل در حد اعتدال نگهداری نشود از بزرگترین موجبات هلاکت انسان است. آنان که با تز آزادی غرائز و اصالت لذت، هدفی جز بهره کشی از عوامل لذت مادی و گرایش به زخارف و زینت های دنیا و اشباع تمنای بی حد و مرز غریزه جنسی، تعقیب نمی کنند با نادیده گرفتن جهات معنوی انسان، به بیراهه قدم گذارده و درضلال مبین میباشند.

درمقابل این گروه، کسانی هستند که سعادت بشر را تنها در کمالات روحانی جستجو می کنند و با گرایش به رهبانیت و ترک لذات و طرد کمالات جسمانی، مجاری غریزه را در وجود خود مسدود نموده و به

^۱-شریعتی سبزواری، محمد باقر، معاد در نگاه عقل و دین، صفحه ۴۹.

^۲-سوره آل عمران، آیه ۱۳۴

^۳-وسائل الشیعه، ج ۸، صفحه ۵۲۴

^۴-شبر،

^۵-اعراف، آیه ۳۱.

^۶-اصول کافی به نقل از کتاب اسلام و عقاید شیعه

امید دستیابی به کمال روح و تعالی معنوی، از حیات دنیوی و مظاهر آن اعراض کرده، دچار خبط و اشتباه می شوند.

فرهنگ اسلامی هر دو روش را مطرود و مذموم دانسته و بر این است که پیروان این دو نظریه از درک حقیقت عاجز مانده و نتوانسته غرائز را با واقع بینی اندازه گیری کنند و مرزهای روا و ناروای آن را تمییز دهند. به همین جهت گروهی راه افراط را در پیش گرفته و گروهی به تفریط گراییده اند.^۱ قرآن کریم میفرماید: (یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات ما احل الله لکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین)^۲. ای کسانیکه ایمان آورده اید چیزهای پاکیزه را که خداوند بر شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حد تجاوز ننمایید زیرا خداوند متجاوزان را دوست ندارد.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: منشا افراط و تفریط چیزی جز جهل و نادانی نیست.^۳

اعتقاد به توحید و معاد زمینه ساز حجاب و عفاف است و تا زمانی که این اعتقادات به صورت صحیح شکل نگیرد، نمی توان یکی از میوه های آن که حیا و حجاب است را بچینیم و بدین منظور باید نهضت وسیعی برای آشنایی بانوان و دختران با معارف قرآن شکل بگیرد.

گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است. اما میزان و شکل آن رابطه مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع داشته و دارد. در سرزمین های مختلف، انسان هایی که به ارزش های اخلاقی اعتقاد بیشتری داشته اند. از پوشش کامل تری استفاده کرده اند و هر قدر سطح ارزش های اخلاقی در آن جوامع پایین آمده، پوشش مردان و زنان نیز در سطح پایین تری قرار گرفته و شکل نامناسبی پیدا کرده است.^۴ هوی پرستی سرچشمه غفلت و بی خبری است. برخی زنان به خاطر هوی و هوس های خویش به فکر تنوع لباس، آرایش و خودنمایی در جامعه می افتند تا این که خود را به هر زن و مردی ارائه کنند. آن ها به جز شیک پوشی، خودنمایی، لذت جویی و خوش گذرانی به چیز دیگری نمی اندیشند و بهترین اوقات زندگی خود را در کوچه ها، خیابان ها، پارک ها یا مهمانی های مفسده انگیز می گذرانند.^۴

در فرهنگ اسلامی ایمان به معاد برای انسان همچون ترمزی برای تند روی های او کار می کند. اعتقاد به قیامت ضامن قوانینی است که مخالف هوای نفس ماست.

^۱- شبر، عبدالله، اخلاق، صفحه ۲۱۹.

^۲- مائده، آیه ۸۷.

^۳- نهج البلاغه، صفحه ۱۱۱۶.

^۴- نویسنده: محمد کاوهوامل بدجایی

«بل یرید الانسان لیفجر امامه»^۱

یعنی طبع اولیه بشر این است که دوست دارد، برای رسیدن به امیال و هوس‌هایش مانعی در پیش رویش نباشد. و اصولاً قفل براعضایش نباشد. گرچه خداوند متعال دو حریم را برای مهار کردن، این طبع اولیه بشر تشریح کرده و عقل و تقوی را برای ایجاد محدودیت در کنترل هوسرانی‌های انسان بوجود آورده است. ولی همین عقل (پیامبر باطنی) و تقوی (مبارزه باهوس و لذت نامشروع) پشتوانه لازم دارد. حال توجه به قیامت انسان را از لجام گسیختگی باز می‌دارد. یوسف پاکدامن در چنگال زلیخا هوسران گرفتار بود، اما با کمال خلوص و ایمان نیرومند (معاذالله)^۲ می‌گفت و با این خودداری از گناه و پیروی نکردن از هوس، از بندگان خالص گردید.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: (من عف خف وزره و عظم عندالله قدره) هر که عفت ورزد بارگناهانش سبک می‌شود و منزلتش نزد خداوند بالا می‌رود.^۳

آن‌ها که اعتقاد به قیامت ندارند، در تجاوز به مال و جان و ناموس مردم گرگ‌های همیشه‌گرسنه‌ای هستند که دایم در انتظار فرصتی برای تامین امیال خود می‌باشند.^۴

بطورمثال: فردی که بدون پوشش مناسب در جامعه حضور پیدا می‌کند، دانسته یا ندانسته از امیال خود پیروی کرده است. میل به طنازی و خودآرایی و ناز و عشوه که جایگاهی بس رفیع در خانواده دارد راباجایگاه پست و حقیر جامعه عوض می‌کنند.

عمل به آموزه‌های الهی جز در پرتو ایمان و آگاهی میسر نخواهد شد. بنابراین، کسانی که در اعتقاد به خداوند و ضرورت دستورات دینی تردید دارند و قلب آنها در ایمان به خداوند و محاسبه روز جزا به مقام اطمینان نرسیده است، در عمل به دستورهای الهی نیز تسامح می‌ورزند. این افراد که به ضرورت حجاب آن‌گونه که باید و شاید پی نبرده‌اند، در پای‌بندی به آن نیز از خود ضعف و سستی نشان می‌دهند.^۵

بهترین شیوه تبلیغ عفاف و حجاب، تشریح مبانی مبدأ و معاد است که اگر این مبانی محکم شود و فرد به آن‌ها یقین کند، اوامر قرآنی را نیز به عنوان فرمان خدا واجب‌الاطاعة می‌بیند و زمانیکه در بزرگسالی آیاتی چون آیات حجاب

«قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أْبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ رُؤُوسَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ...» به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه

۱- سوره قیامت، آیه ۱۵

۲- یوسف، آیه ۲۳.

۳- میزان الحکمه، ج ۷، صفحه ۴۵۲.

۴- راجی، علی، ابعاد تربیتی معاد، ص ۳۵۰

۵- محمد رضا اکبری، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، صص ۱۹۰-۱۴۶.

خودنگهدارندوزینت‌های خود را جز آن مقدار که
آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فرو گذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند^۱

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ
فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا حِيمًا»

ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فروپوشند. این مناسب‌تر است،
تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنده و مهربان است.^۲

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ أَجْهَلِيَّةٍ. . . .» و در خانه‌های خود بمانید. و چنانکه در زمان پیشین
جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار نکنید.^۳

را می‌شنود برایش قابل درک است و در اصل تبعیت از فرمان خدا تردید نمی‌کند.

۵- فرهنگ ایثار و شهادت طلبی

شهامت و شجاعت از مهم‌ترین آثار تربیتی اعتقاد به معاد است؛ زیرا بر اساس آن، اوج افتخار در زندگی،
شهادت در راه هدف مقدس الهی است که محبوب‌ترین چیز برای فرد با ایمان و آغازی برای زندگی ابدی و
جاودانی است.

انسان معتقد به آخرت، می‌داند که جهاد در راه خدا و رفتار ایثارگرانه آثاری ارجمند دارد که رستگاری
انسان، جلب رأفت الهی، و رسیدن به مقام برّ از آن جمله‌اند؛

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ)^۴ «بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (علیه
السلام) در «لیلة المبيت» به هنگام مخفتن در جایگاه پیغمبر جان خود را به خاطر خشنودی خدای فروشنده
و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

بهترین چیز دوست داشتنی برای انسان «جان» است. پس شهدا که جان خود را در راه خدای دهند،
به بالاترین مقام برّ می‌رسند.^۵

۱-سوره نور آیه ۳۱

۲-سوره احزاب، آیه ۵۹

۳-سوره، احزاب آیه ۳۳

۴-بقره، ۲۰۷.

۵- محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۱۲.

(لَتَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَهْدِي لِمَنْ يَشَاءُ) (حقیقت) «هرگز به»^۱ انفاق کنید و آنچه را نفاق می کنید، نیکو کاری نمی رسید مگر این که از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه نفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است.»

بنابراین اعتقاد به معاد نقش بسزایی در جهاد و مبارزه و افزایش روحیه مبارزه جویانه در آدمی دارد و اگر حس جهاد و مبارزه و شهادت طلبی در درون جامعه ای حکمفرما باشد، آن جامعه از گزند دشمنان محفوظ می ماند. اگر کسانی در چنگال آرزوهای دراز و هوای نفس گرفتار باشند، به هزاران بهانه متوسل می شوند تا از جهاد و جنگ بگریزند.

طبق گفته های دانشمندان غربی نیز آدمی به این اعتقاد نیاز دارد که در ورای این عالم محسوس، عالم دیگری وجود دارد که غرق در معنویت است و همین اعتقاد است که سبب می گردد تا به افرادی که بدان پایبند هستند، در برابر حوادث نیرو و قدرتی عظیم ارزانی دارد^۲ و به راستی چه اعتقادی مانند این خواهد توانست تا در یورش سختی ها و دگرگونی های روزگار، به انسان ثبات قدم بخشد و همچون لنگری مطمئن، کشتی طوفان زده روح انسان را در حوادث و بلاها از تلاطم باز دارد.

شهید مطهری نیز از حالت روحی و روانی خاصی تحت عنوان «نشاط شهادت» یاد می کند و منطق شهادت را سوختن و حل شدن در اجتماع برای احیای جامعه می داند.^۳ این نوع نگرش نسبت به مرگ در آیات قرآن نیز مورد ستایش قرار گرفته و خداوند در بسیاری از آیات، از راه های مختلف، همچون برشمردن خصوصیات زندگانی اخروی شهیدان و مبارزان راه حق، به تشویق این افراد پرداخته است و بارها و بارها سفارش و توصیه می کند که شهیدان نمرده اند، بلکه نزد خداوند زنده اند و از نعمت های او در جوارش بهره می برند. آیات زیر به این حقیقت اشاره کرده اند: (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ)؛^۴ (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ).^۵

به طور کلی یکی از چیزهایی که در تمامی جنگ های دنیا وجود دارد، ترس از شکست و سختی های پس از آن و یا ترس از کشته شدن و مرگ است. از این رو بحران روانی یک رزمنده قبل از ورود او به صحنه نبرد آغاز شده و تا زمانی که دار فانی را وداع گوید، ادامه خواهد داشت. دیدن سهمگین ترین صحنه ها و وقایع تلخ و جانگداز در میدان نبرد باعث ایجاد مشکلات جسمی و روانی فراوانی در انسان می شود. از جمله این مشکلات، ناامیدی و ترس از مُردن و به طور کلی عدم خوش بینی نسبت به آینده است که این خود

۱- آل عمران، آیه ۹۲.

۲. رضایی اصفهانی و دیگران، تفسیر موضوعی قرآن، ص ۱۸۶

۳. غلام حسین معتمدی، انسان و مرگ، ص ۹۱

۴. بقره/۱۵۴

۵. آل عمران/۱۶۹

سبب می‌گردد انسان به فردی ناامید و افسرده که برداشتی غلط، ناقص و محدود از محیط دارد، تبدیل شود. در فرهنگ اسلامی برای کاهش این اختلالات و افزایش سلامت روانی از طریق تحکیم روح امید در نهاد آدمی، به انسان افسرده و ناامید کمک می‌کند تا به اصلاح برداشت‌های خود بپردازد و به بینشی جدید دست یابد و بهترین کسی که می‌تواند این مهم را انجام دهد، خداوند است.

در آیه (وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونًا فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا)^۱ «و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند و خداوند، دانا و حکیم است.» نیز خداوند با هدف زنده نگه داشتن روحیه تلاش و پشتکار در رزمندگان و یاران پیامبر (ص)، بر امیدواری نسبت به آینده و انتظار فرا رسیدن گشایش از سوی خدا سفارش کرده و مؤمنان را از هرگونه یأس و ناامیدی بر حذر داشته است، چرا که در صحنه‌های نبرد، امید به خداوند بزرگ‌ترین اهرم حرکت و سرمایه روحی رزمنده است؛ یا شهادت و سعادت، یا پیروزی بر دشمن.

استدلال خداوند در آیه فوق بدین صورت است که همان طور که شما ناراحت می‌شوید، آنها نیز ناراحت می‌شوند و شما حال بدتری از حال دشمنان خود ندارید، بلکه شما مرقه‌تر و خوشبخت‌تر از کفارید، زیرا شما به خداوند بزرگ امید دارید که او در این جهان به شما پیروزی و ظفر بخشد و به

واسطه این سختی‌ها و دردها و زخم‌ها، در عالم دیگر به شما پاداش دهد، چرا که او ولیّ مؤمنین است؛ (وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ)^۲ و شما نیز از مؤمنین هستید. ولی دشمنان شما در مقابل این جراحات‌ها و زخم‌ها، امید هیچ‌گونه پاداشی از جانب خداوند متعال ندارند و در نتیجه در عمل خود نشاط ندارند و کسی نیست که رسیدن آنان به هدف را ضمانت کند و این، تفاوت بزرگی است میان شما و آنها، چرا که بیشتر پیروزی‌های مؤمنین از روی ایمان و امید آنها نشأت گرفته، و گر نه در بیشتر جنگ‌هایی که در اسلام واقع گردیده، تعداد کافران بسیار زیادتر از تعداد مسلمانان بوده و نیز در مهمات جنگی، آنها مجهزتر بودند، با این حال غالباً شکست می‌خوردند و این تنها از جهت ایمان مؤمنین و امید راستین ایشان به خداوند بود که با نیروی ایمان و خلوص شمشیر می‌زدند.

درفرنگ اسلامی انسان معتقد است که با مرگ، پرنده روحش از قفس تن آزاد شده و در آسمان بی‌کران پر می‌گشاید، نه تنها از مرگ و شهادت در راه هدف ترس و وحشتی به خود راه نمی‌دهد، بلکه به استقبال آن رفته، آن را عاشقانه در آغوش می‌کشد.

۶- ضمانت اجرای قوانین و عدالت اجتماعی

۱. نساء/۱۰۴

۲. آل عمران/۶۸

تجربیات تاریخی گواه این مدعاست که هر زمان اعتقاد و باور به قیامت در تار و پود جامعه تنیده شد و مردم آگاهانه و صادقانه به این باور دینی ایمان آوردند، دستاوردهای مهم و سترگ در زندگی فردی و اجتماعی آنان به وجود آمد، و هر زمان که این باور تضعیف شد، آسیب پذیری فردی و جمعی نیز افزایش یافته است.

اعتقاد به معاد، در عرصه اجتماعی، آثار ارزشمند دارد.

از مهم ترین آن‌هایی که توان به ضمانت اجرای قوانین الهی و عمل به تکالیف اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و جلوگیری از ستم و تجاوز و به تبع آن ارتداد و دیگر برقرار یعدالت اجتماعی را به بار می‌آورد.

آن که به قیامت و حساب برسیا عمل باور دارد و خود را در مقابل پروردگار شمسئولمی شمارد، به قوانین الهی ملتزم می‌گردد و بند خواهد بود و اگر هم مافراد جامعه چنین نباشند، جامعه به سوی اصلاح و رستگاری گام بر خواهد داشت؛ زیرا همگان وظیفه الهی انسان‌ها را بر عهده می‌گیرند و آثار این امر در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیت‌آشکاری می‌شود.

در نظام سیاسی اسلام حکومت و امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای قوانین شناخته شده اند؛ ولی معاد نیز به یاری آن دو آمده است. معاد باوری سبب می‌شود که انسانها حقوق شهروندان را رعایت کرده، کمتر مرتکب گناه شوند.

ایمان به معاد در تأمین عدالت اجتماعی که دغدغه انبیا و مصلحان واقعی بود، کارایی فوق العاده‌ای دارد. تراحم و برخورد منافع از لوازم اجتماع انسانی است که در آن ناتوان و نیرومند با هم زندگی می‌کنند و قوی‌ترها پیوسته می‌خواهند همه چیز را به خود اختصاص دهند، لذا وضع قانون ضرورت می‌یابد. ایمان به معاد و حساب موجب امتناع انسان از ظلم به دیگران می‌شود. باید دانست که بی‌ایمانی به جهان آخرت، ریشه سرکشی و بی‌عدالتی انسان‌هاست: «وَاسْتَكْبَرَ هُوَ ... وَظَنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ». (قصص / ۳۹)

بی‌عدالتی یکی از دردهای فراگیر بشر است و استکبار جهانی بیشترین حق‌کشی را در حق ملت‌های ستمدیده دارد. طغیان‌ها، انکارها و تباهی‌ها از نظر قرآن در اثر بی‌اعتقادی به معاد است. مسلماً اگر آنان قیامت را باور داشتند، در رفتار غیرانسانی خویش تجدید نظر می‌کردند.

امام علی (ع) فرمود: سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای (جانگداز) سعدان به سر بیرم و با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم.^۱

اعتقاد به معاد و یا حتی قبول احتمالی آن در انسان ایجاد مسئولیت و تعهد می‌کند، و او را به اندیشه و جست‌وجوی حق وادار می‌دارد. از این رو است که امام علی (ع) در فرمان‌های حکومتی و قوانین اداری

^۱ محمد دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، ص ۳۲۷.

خود، بر یاد حق و یاد معاد تأکید می فرماید و کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری خود را با توجه دادن به ناظر حقیقی و یاد آوردن حساب رسی دقیق الاهی به پای بندی به اصول اخلاق اداری فرا می خواند. کسی که رستاخیز را باور دارد و حساب و کتاب دقیق الاهی را بر کردار و رفتار خود حاکم می داند، بی گمان به آن چه از او صادر می شود توجهی دقیق می نماید. آن حضرت به مالک اشتر سفارش می نماید که: "وَ لَنْ تَحْكَمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْتَبَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ". بازگشت به سوی پروردگار و معاد را بسیار به یاد آرد، تا بتواند به درستی عمل نماید و از بی انصافی و ستمگری، و از تندى و سرکشی خود را به دور نگه دارد.^۱ حضرت در جای جای فرمان حکومتی اش به مالک، مسئله معاد را یاد آور می شود. آن جا که می فرماید: "بئس الزاد الی المعاد العدوان علی العباد".^۲ "ستم راندن بر بندگان بدترین توشه برای آن جهان است"^۳

"...فَوْقَهُمْ حَقُّوهُمْ وَالْأَتَّعَلْ فَأَنْتَكَ مِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ خُصُومًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ"

"... پس باید حقوق آنان را تمام به آنان برسانی و گرنه به روز رستاخیز از کسانی می باشی که بیشترین دشمنان را داری"^۴

یاد معاد حس مراقبه و محاسبه را در انسان در جهت اجرای عدالت افزایش می دهد. اگر انسان در تمام لحظات زندگی بداند که کسی مراقب اوست و تمام اعمال او را محاسبه می کند سعی می کند در تمام رفتارها بخصوص اجرای قسط و عدل کوشا باشد حضرت علی (علیه السلام) به عنوان حاکم اسلامی در برابر زیاده خواهی برادرش عقیل از بیت المال او را از آتش جهنم برحذر داشت.^۵ تنها امتی می تواند، پرچمدار عدالت و قسط در زندگی فردی و اجتماعی باشد که آگاهانه و صادقانه به باورهای دینی و معاد ایمان بیاورد و در راه تثبیت و حاکمیت آنها آماده جان فشانی و ایثار باشد. تعمق اعتقاد به زندگی اخروی، در واقع، تلاش برای پایداری ارزشها و حاکمیت فرمانهای آسمانی و در نهایت، تلاش برای برپایی تمدن و فرهنگ اسلامی و دوری از ستم و بی عدالتی است.

ایمان به معاد تاثیر زیادی در سلامت و عدالت اجتماعی دارد. اعتقاد به حساب و کتاب و روز قیامت بازدارنده-ی بسیاری از مفاسد است.

وَوَاسْتَكْبَرَهُوْ وَجُنُودُهُفِيالْأَرْضِغَيْرِالْحَقُّوْظُنُّوْا أَنَّهُمْإِلَيْنَا لَإِيْرُجَعُونَ^۵

(سرانجام) فرعون و لشکر یانشد و نوح و حق در زمین استکبار کردند، و پنداشتند به سوی ما بازگردانده نمی شوند!

^۱ محمد دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۲۱

^۲ همان، نامه ۵۳

^۳ همان، نامه ۲۶، ص ۳۶۳

^۴ همان، خطبه ۲۴۲

^۵ قصص آیه ۳۹.

«عدم اعتقاد و توجه به معاد و حساب، زمینه‌ی شکل‌گیری استکبار است.»^۱ در نتیجه یادآوری و ذکر معاد، انسان را از ظلم و ستم دور می‌کند.

۱ محسن، قرآنی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۵۹.

نتیجه گیری

باورها و عقاید مردم به خدا، انسان، ارتباط انسان با خدا و جهان طبیعت و ارزش ها، همان خوب و بدها و شیوه های رفتاری خاص، که از بینش ها و ارزش ها برمی خیزد، عناصر اصلی فرهنگ اسلامی هستند.

در فرهنگ اسلامی یکی از بنیادی ترین باورهای دینی «اعتقاد به معاد» است. اعتقاد به رستاخیز و معاد آثار سازنده و مثبت فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی بر جای می گذارد و زمینه را برای تربیت انسان های مؤمن و تحقق جامعه توحیدی فراهم می آورد. این باور دینی، یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی است.

هر زمان اعتقاد و باور به قیامت در تار و پود جامعه تنیده شد و مردم آگاهانه و صادقانه به این باور دینی ایمان آوردند، دست آوردهای مهم و سترگ در زندگی فردی و اجتماعی آنان به وجود آمده، و هر زمان که این باور تضعیف شد، آسیب پذیری فردی و جمعی نیز افزایش یافته است. در فرهنگ اسلامی ایمان به معاد، ریشه ی یأس ها و ناامیدی ها را که آفت جان انسان ها است، می سوزاند و انسان را امیدوار می سازد که هیچ یک از اعمال نیک او از صفحه هستی پاک نمی شود و مصائب و ناکامی هایش در این دنیا، هیچ کدام بی پاسخ نخواهند ماند. صفات برجسته ی اخلاق نیز در کنار یاد معاد و تذکر قیامت به کمال لازم می رسد؛ و انسان با اخلاق در مقابل رفاه طلبی، اسراف، اتراف، خوش گذرانی، سرگرمی ها، هوسرانی، ثروت اندوزی بی حد و مرز به صورت سنجیده و در راستای اهداف الهی برخورد می کند. اعتقاد به معاد نگاه انسان را به دنیا تغییر داده و دنیا را به عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن به اهداف والای انسانیت و زندگی جاوید و همیشگی می داند.

شخص معتقد به معاد عقیده دارد که زندگی به این جهان ماده خلاصه نمی گردد، و عالم به طور کامل در دست قدرت خداوند متعال است، و جز او مؤثر مستقلی در عالم وجود ندارد، آن گاه آنچه را که با تلاش از راه حلال به دست می آورد روزی خدا می داند و به بیش از آن هم چشم نمی دوزد.

اگر همه اصناف جامعه دستورات قران را سرلوحه کارشان قرار داده و مسأله معاد را جدی بگیرند درست کاری و صداقت را اولویت در کسبشان بدانند دیگر نان سوخته و یا خمیر نامرغوب دست مردم نیست، دیگر گوشت های مانده دورریز در غالب گوشت چرخ کرده دست مردم نمی دهند تا باعث شیوع بیماری های گوناگون شود. راننده هایی که در سطح شهر خدمات ارائه می دهند، انصاف را پیشه ی خود ساخته و به مسافرین میهمان نا آشنا به شهر کمک و راهنمایی نموده و وجه اضافی از مسافر دریافت نمیکنند زیرا باور دارد که خداوند روزی حلال برای او مقدر نموده است

اعتقاد به قیامت و حساب، پشتوانه‌ی نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیت‌های رفتاری و خودداری از ظلم و تجاوز و فساد و گناه است. خداوند برای انسان، کمال قرب و منزلت را قائل شده؛ زیرا از او خواسته است که مانند موجودی رها و بی‌تکلیف، در پی کارهای بیهوده نباشد. در خود احساس مسئولیت را پرورش دهد، و همواره خود را مسئول بداند.

اعتقاد به توحید و معاد زمینه ساز حجابو عفاف است و تا زمانی که این اعتقادات به صورت صحیح شکل نگیرد، نمی‌توان یکی از میوه‌های آن که حیا و حجاب است را بچینیم و بدین منظور باید نهضت وسیعی برای آشنایی بانوان و دختران با معارف قرآن شکل بگیرد.

بهترین شیوه تبلیغ عفاف و حجاب، تشریح مبانی مبدأ و معاد است که اگر این مبانی محکم شود و فرد به آن‌ها یقین کند، اوامر قرآنی را نیز به عنوان فرمان خدا واجب‌الاطاعة می‌بیند و زمانیکه در بزرگسالی آیاتی چون آیات حجاب را می‌شنود برایش قابل درک است و در اصل تبعیت از فرمان خدا تردید نمی‌کند.

اعتقاد به معاد نقش بسزایی در جهاد و مبارزه و افزایش روحیه مبارزه جویانه در آدمی دارد و اگر حس جهاد و مبارزه و شهادت‌طلبی در درون جامعه‌ای حکمفرما باشد، آن جامعه از گزند دشمنان محفوظ می‌ماند. اگر کسانی در چنگال آرزوهای دراز و هوای نفس گرفتار باشند، به هزاران بهانه متوسل می‌شوند تا از جهاد و جنگ بگریزند.

والسلام ۹۳/۱۱/۱۸

❖ قرآن
❖ نهج البلاغه

- (۱) آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگه، ۱۳۸۳، ص ۷۵.
- (۲) ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ چ ۱.
- (۳) اکبری، حسن علی، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات و فقه، تهران، سازمان تحقیقات و خودکفایی بسیج، ۱۳۷۵، ص ۱۸.
- (۴) اکبری، محمدرضا، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، اصفهان، انتشارات پیام عترت، ۱۳۷۶.
- (۵) باهنر محمدجواد، فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۴.
- (۶) تفتازانی، سعدالدین شرح المقاصد، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۰ش.
- (۷) حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
- (۸) حر عاملی، وسائل الشیعه، طهران: المکتبه الاسلامیه، ۲۲۱.
- (۹) خمینی، روح الله. صحیفه نور، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، بی تا.
- (۱۰) دشتی، محمد، شرح نهج البلاغه، قم: آل علی(ع)، ۱۳۷۹.
- (۱۱) دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۳.
- (۱۲) دیلمی، شیخ حسن؛ إرشاد القلوب إلی الصواب، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۶ش.
- (۱۳) راجی، علی، ابعاد تربیتی معاد، انتشارات زائر، قم، ۱۳۷۷.
- (۱۴) رضایی اصفهانی و دیگران؛ تفسیر موضوعی قرآن، چاپ یازدهم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ش.
- (۱۵) سبحانی، جعفر، معاد انسان و جهان، قم، انتشارات مجله مکتب اسلام ۱۳۷۳.
- (۱۶) سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران ۱۳۷۳.
- (۱۷) شبّر، سید عبدالله، حق الیقین، قم انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۰.
- (۱۸) شریعتی سبزواری، محمد باقر، معاد در نگاه عقل و دین، قم، چاپ چهارم، موسسه بوستان، 1382.
- (۱۹) طاهری، حبیب الله، سیری در جهان پس از مرگ، تهران تاریخ نشر: ۸۶۰۹۱۹.
- (۲۰) طباطبایی محمد حسین، ترجمه المیزان، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- (۲۱) طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، الثقافه الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.

- (۲۲) طهرانی هاشم، توضیح المراد، مفید، تهران، ۱۳۶۵
- (۲۳) قرائتی، محسن، ، تفسیر نور، تهران مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن ۱۳۷۵.
- (۲۴) کاوه، محمد عوامل بدحجابی، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی، تهران: جامعه شناسان ۱۳۵۳
- (۲۵) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی: اسوه محل نشر قم، ۱۳۷۵
- (۲۶) لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، تهران: ۱۳۸۳..
- (۲۷) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۵ ص ۱۴۷
- (۲۸) محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه،؛ موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم: ۱۳۸۸
- (۲۹) معتمدی، غلامحسین؛ انسان و مرگ، درآمدی بر مرگ شناسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲ش.
- (۳۰) معین، محمد فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر بی تا
- (۳۱) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.

مقالات:

- پسندیده، عباس، بهداشت روان، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۵۲
 - جعفری، زینب، مجله: طوبی انسان و مسولیت پذیری، فروردین ۱۳۸۵، شماره ۴
- رابطه ی علم با فرهنگ و تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری**
- حمید حسین نژاد محمد آبادی، بنیاد علمی فرهنگی شهید
- مطهری ۱۳۹۲